

«شهید وحدت ملی»، آدرسی برای تحقق عدالت اجتماعی

سرمقاله

مبارزه با فساد، جدی ترین نیاز دولت داری

محمد رضا هویدا

فساد اداری یکی از خصیصه های دولت های گذشته و کنونی افغانستان است. از بزرگترین پرونده های تاریخ محاکم افغانستان، پرونده های فساد اداری است که به عنوان نمونه به دوسیه کابل بانک می توان اشاره کرد. از بزرگترین ادعاها و اتهام ها در تاریخ افغانستان نیز می توان به اتهام های فساد اداری اشاره کرد. اختلاس به نام های مکاتب خیالی و عساکر خیالی و کلینیک های خیالی صدها میلیون دالر را شامل می شود. به هر صورت میباردها دالر کمک های بین المللی به افغانستان جز توسط فساد اداری شایع در ادارات دولتی و غیر دولتی افغانستان نمی تواند چنین در بازسازی کشور بی تاثیر باشد.

دولت افغانستان تلاش کرده است تا با فساد اداری در کشور مبارزه کند، اما این مبارزه بی تاثیر و ناکام بوده است. ابزارهایی که دولت افغانستان با توسل به آن ها خواسته به مبارزه با فساد اداری برود، یکی از راه هایی که دولت افغانستان با توسل به آن سعی کرده جلو فساد اداری را در افغانستان بگیرد، کنترل بر قراردادهای است. مثلا در خریدی که به تاریخ ۲۲ جوزای امسال در آژانس خبر باختی به نشر رسیده، آمده است که «شش میلیارد افغانی صرفه جوئی در ۱۲۷ قرارداد، دست آورد کمیته تدارکات ملی می باشد». اما آیا چنین روشهایی در مبارزه با فساد اداری کارآمد است؟ چنین خبرهایی از سوی دولتمردان بسیار زیاد نشر شده اند تا جوابی باشد بر ذهن ناآرام افکار عمومی در افغانستان. اما آیا با چنین روشهایی می شود با فساد اداری مبارزه کرد؟ آیا با انحصار قراردادهای از طریق کمیته ملی تدارکات که از سوی ریاست جمهوری اداره می شود، می توان از فساد اداری جلوگیری کرد؟ فساد اداری در افغانستان چنان در ادارات دولتی و غیر دولتی و در کل، در زندگی اجتماعی و سیاسی مردم افغانستان رخنه کرده است که با چنین کارهایی بعید است از حجم و میزان آن کم شود. از کوچکترین تا بزرگترین ادارات دولتی افغانستان از فساد اداری رنج می برند. بدتر از همه اینکه، مردم نیز به این وضع تن در داده اند. حالا دیگر همان اندازه که رشووت گرفتن سیل شده، رشوه دادن نیز تبدیل به عادت مردم شده است. تا زمانی که مردم از حکومت ناامید نشوند، رشوت دادن برای شان عادت نمی شود. زمانی که مردم از دولت و دولتمردان ناامید شدند، رشوت دادن برای شان عادی می شود و تن به رشوت دادن می دهند.

دولت افغانستان قبل از هر چیزی باید وضعیت خود را بررسی کند. چه اندازه ادارات موازی وجود دارد؟ چه اندازه وزارت خانه هایی که هیچ نیازی به بودنشان نیست؟ هستند اداراتی که هیچ نیازی به بودنشان نیست. مدها مشاور که در ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه و وزارت خانه ها و ادارات و کمیسیون ها معاشات گرفت می گیرند، چه موثرینی در دولت دارند؟ ده ها کمیسیون و کمیته که با پول دولت موظف شده اند، چه دستاوردی داشته اند؟ ده ها تن از کسانی که متمم بی کیفیتی و فساد هستند چرا بدون هیچ بازخواستی به پست های دیگر معرفی می شوند؟ چرا ادارات دولتی بر است از نزدیکان و بستگان مقامات؟ چرا قراردادهای به نزدیکان و بستگان مقامات داده می شود؟ اولین نشانه فساد اداری، شعاردان است. شعاردان باعث می شود تا مردم به شعاردان اعتماد کنند، و او بتواند به پست ها و مقامات و دارایی های عامه دسترسی پیدا نماید. دولتمردان افغانستان، خوب است در آستانه پایان سال و حلول سال جدید خورشیدی، کارنامه خود را در محک بگذارند و برای پایان دادن به فساد اداری گسترده برنامه ای جامع و عملی طرح و اجرا نمایند. مبارزه با فساد می تواند اولین گام برای موفقیت این دولت باشد. گام های بعدی به مرور محکم تر گذاشته خواهد شد.

سرم انجام پس از بیست و یک سال به مناسبت یادبود از سالگشت شهادت شهید مزاری مبارز راه عدالت و وحدت ملی در کشور، روز گذشته رییس جمهور طی پیامی شهید عبدالعلی مزاری را رهبر پیشواز خواند و به وی لقب «شهید وحدت ملی» را تفویض نمود. رئیس جمهور در پیام خوش افزوده است که شهید مزاری خواهان نظام مردم سالار بود که براساس شرکت گسترده مردم ساخته شود، زیرا نظام درواقعیت امر، تضمین کننده عدالت اجتماعی است. وی در ادامه تأکید ورزیده است که افغانستان کشور همه ما است همه باید مانند برادر در سرنوشت کشور سهم داشته و سرنوشت خود را رقم بزینم و این اصلی است که شهید مزاری بران تأکید می کرد. در پیام تذکر رفته است که شهید مزاری درکنار آنکه به نقش زنان در جامعه احترام خاص داشت، بر نقش این قشر در عرصه سیاسی نیز تأکید می نمود. رییس جمهور در پایان اعلام داشت «من به هدف احترام به مقام بلند شهید مزاری و براساس خواست برخی از مسوولان دولتی و سیاسی، به شهید مزاری لقب «شهید وحدت ملی» را می دهم که در تقویم رسمی کشور درج شود. حقیقت امر آنست که این اقدام رئیس جمهور طی بیست و یک سال گذشته مهم ترین و نمادی ترین اقدامی است که صورت گرفته است. هرچند این اقدام دیر صورت گرفت اما بازهم جای تقدیر را دارد. شهید مزاری در واقع مبارز راه عدالت و شهید وحدت ملی بود. نامیدن شهید مزاری بعنوان شهید وحدت ملی بخشیدن یا اعطای یک امتیاز به شهید مزاری و هروان راه او نیست، بلکه این اقدام در واقع پذیرفتن یک واقعیت روشن و آمدادی گرفتن برای رفتن بسوی آینده روشنتر و با ثبات می باشد. اگر ما ویژگی های شهید مزاری را در نظر داشته باشیم آنگاه در خواهیم یافت که این اقدام اخیر رئیس جمهور چگونه می تواند اعتبار و واقعیت و حقیقت باشد. در اینجا به صورت بسیار کوتاه و برای روشن شدن مطلب بعضی از ویژگی های شهید مزاری را یاد می کنیم. بدون تردید شهید مزاری یکی از چهره های بارز و دلسوز برای مردم افغانستان محسوب می گردد. این توصیف از آن شهید یک امر تعارفی و غیرواقع نمی باشد. بلکه



عبدالله هروی

مطرح است. حقوق ملیت ها یعنی برادری ملیت ها... این عناصر قدرت طلب و جاه طلب است که در این مسأله به عنوان نزاد و غیره استفاده می کنند... باورمندی به حقوق زن؛ از ویژگی های بسیار مهم و بارز و منحصر به فرد شهید مزاری پذیرفتن و باور داشتن حق و حقوق انسانی است. او به حقوق انسانی بدون در نظر داشت تفاوت های مذهبی، پوست، نژاد و جنسیت احترام قابل بود. او سعادت فرد و جامعه را در پرتو پذیرش و رعایت این حقوق میدانست. او بعنوان یک رهبر فهیم سیاسی و اجتماعی می دانست که علاوه بر آرز نهدان به حقوق انسانی باید درک نمود که نیمی از پیکره جامعه را زنان تشکیل میدهند. شهید مزاری در این باره میگوید: «متأسفانه پس از ۱۴ سال مبارزه و جهاد و زجر و تکلیف، تعدادی از رهبران می گویند: نصف از جمعیت ما زنان حق ندارند برای سرنوشت شان حرف بزنند، ولی وقتی

این سنجایا را می توان از زندگی، مبارزات و شهادت آن آزاد مرد دریافت. اینک با وجود آنکه هفده سال از شهادت غمناک اما پرشکوه شهید مزاری میگذرد، یاد و خاطره و راه او در بین مردم ما زنده است. اینکه در آموزه های دینی از شهید بعنوان زندگان یاد می شود، شاید دارای تعبیر و تویجیهای مختلف داشته باشد، ولی یکی از راه و اندیشه های شهید مزاری را بازتاب و یاد و آرمان او در دلهای مردم زنده است. شاید در جامعه کمتر کسی را بتوان یافت که نسبت به آرمان شهید مزاری شناخت و دلبستگی نداشته باشد؛ یا به تعبیر دقیق تر راه و اندیشه های شهید مزاری را بازتاب و آینه ای از واقعیت های زندگی خود نداند. عدالت اجتماعی: شهید مزاری از یک سوی بعنوان انسان آگاه و صاحب خرد، از جانب دیگر بعنوان یک فردی که در جامعه ستم زده زندگی می کند و خود رنج و درد ستم و بی عدالتی را تجربه نموده است، شیفتگی و دلبستگی عمیق و صادقانه به «عدالت» دارد. او بخوبی دریافته است که اولین چیزی که بر عرصه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، فرهنگی کشور به سادگی قابل مشاهده است. شهید مزاری وجهت گیری های سیاسی

داشت که در نبود وحدت ملی استقرار یک نظام سیاسی با ثبات غیرممکن است. نظام سیاسی وقتی در یک جغرافیای سیاسی استقرار می یابد که در آن جامعه تفاهم و وحدت ملی حاکم باشد. همه شهروندان آن بگونه ای خود را مر تبط با یکدیگر بدانند. دارای سرنوشت مشترک باشند. در برابر سرنوشت مشترک احساس مسئولیت نمایند. به همین سبب بود که شهید مزاری در داعیه «وحدت ملی» صادقانه تکیه می نمود و اعلام میداشت که: «ما به همه سر دشمنی نداریم دوست هستیم و وحدت ملی را ما در افغانستان یک اصل می دانیم...». شهید مزاری با اصل دانستن وحدت ملی تاکید داشت که: «مردم ما یک مردم سرفراز بیستکه با برادری با همه ملیت ها می خواهیم زندگی بسازیم با برادری زندگی بکنند. اینافغان باشد، تاجیک باشد، ازبک باشد، همه برادرند حقوق مساوی می خواهند... در اینجا مسأله افغانستان وقتی حل می شود که مردم و احزاب همدیگر را تحمل بکنند. درصدد حذف یکدیگر نباشند چه از نگاه اقوام چه از نگاه احزاب، چه از نگاه مذاهب...» وی در بخش دیگری از سخنانش تأکید دارد: «اینجا برای شما واضح می گویم در افغانستان دشمنی ملیت ها فاجعه بزرگی است. در افغانستان برادری ملیت ها

نقش تشکل ها در فرآیند تحولات جوامع

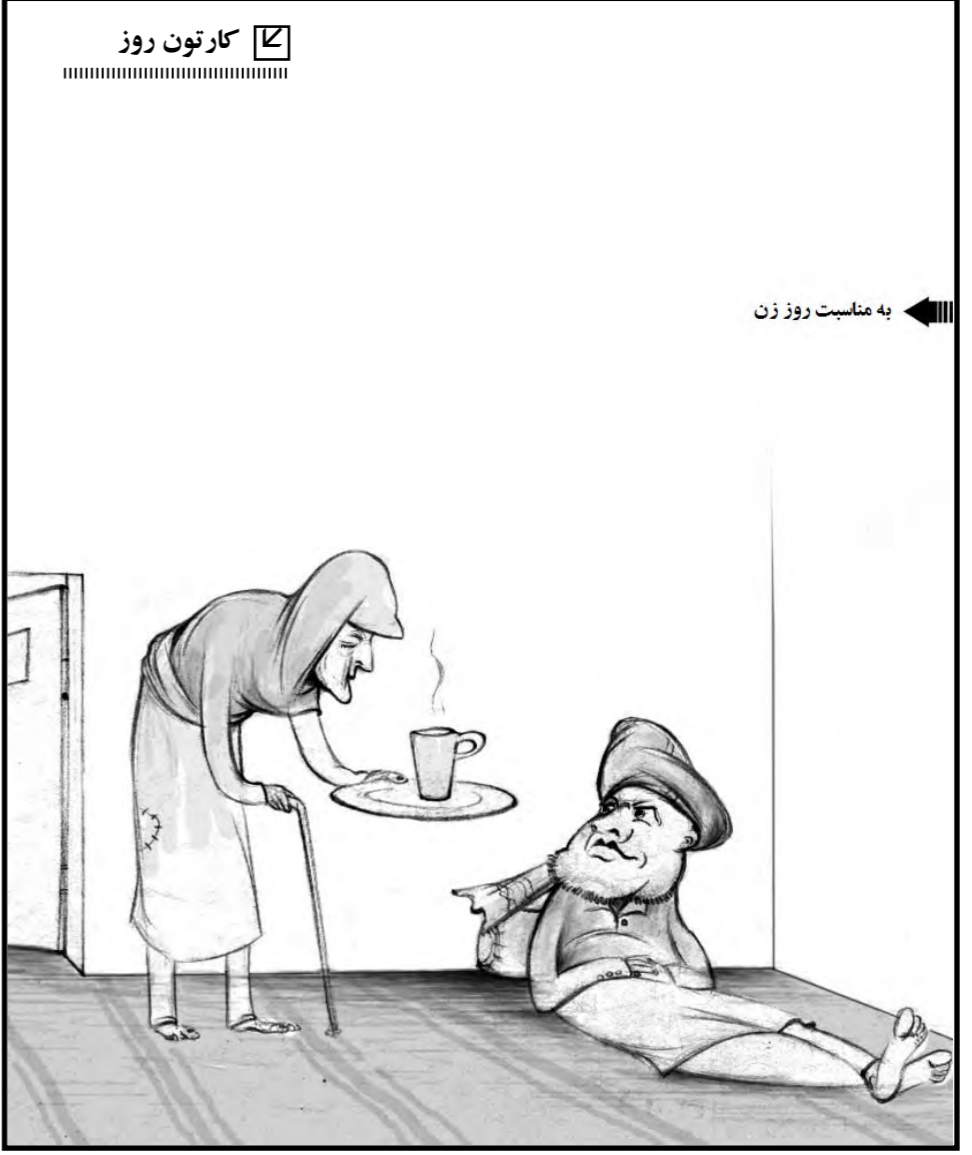
سید رازی طبیب



و دانش و تجربه همه آنها را بفهمد، هفت نفر است. به همین قیاس هر قدر مشارکت آحاد یک جامعه بیشتر باشد، توفیقات مدیریت هم بیشتر خواهد بود. در جوامع عقب مانده به رای العین شاهد تشویش ها و دلهره ها از تشکل های مردمی هستیم. در جوامع امروز کم نیستند جوامعی که تشکل این مدعا بوند ولی در جوامع مدعی پیشرفت به عکس می بینیم که مردم با سازماندهی تشکل های مردمی، بازوان توانای دولت مردان را فراهم می کنند. در این جا نقش حکومت ظاهر می شود. حکومت وظیفه دارد که با بی نظری بر جریانات نظارت داشته باشد؛ اگر شاهد انحرافات بود که به اساس بی توجه بودند، به عنوان عامل بازدارنده در صحنه حاضر شده نسبت به تصحیح مسیر و اصلاح این قبیل حرکت ها اقدام به عمل آورد. در این راستا اساس کار بایستی اصل تبرئه باشد مگر خلاف آن ثابت شود. فضای ارباب بایستی برچیده شود که به نفع خود ایجاد کنندگان نیز نخواهد بود. شفافیت، صراحت و صداقت بایستی مورد مرحمت همه اقشار واقع گردد. مرزها مشخص و آشکار باشد تا تکلیف جامعه روشن و سره از ناسره قابل تشخیص باشند. وقتی در جامعه ای جو ارباب حاکم گردد، کمتر کسی وارد صحنه اظهار نظر و مشارکت می شود. بر این اساس مشورت هایی که می توانند کارساز باشند، متوقف می گردند، دل سوزی ها به خاموشی می گراید و مدیریت جامعه تنها و بدون پشتوانه می شود؛ در نتیجه امور به یک بعدی معطوف می شود و نارسائی ها و

نقش تشکل و تحزب در تکامل و بالندگی جوامع اگر به مشورت در کارها عملا باور داشته باشیم، تشکل ها همان معنی را دربر خواهند داشت، اگر به گوناگونی جهان هستی معتقد بوده و آن را پذیرا باشیم، بی شک برای آگاهی از سلیقه ها و نقطه نظرای دیگران بایستی در گسترش تشکل ها همت بگذاریم. از نظرگاه عقل نیز جایگاه تشکل ها واضح و آشکار است. ضرورت قابل انکار مقبولیت مدیریت هر جامعه، ناشی از حضور مردم و مشارکت جدی آنها در تمام شئون است. یکی از ویژگی های جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت، بهره مند بودن از نظرات کارشناسانه و دیدگاه های صاحب نظران

گردد و عکس آن نیز مصادیق بسیار دارد که در این مقوله نمی گنجد. ما باید بتوانیم حتی از جوجه مشترک بین خودمان و دشمنان مان نیز بهره بگیریم و وجوه تفارق را بسه حال خود واگذاریم. در مدیریت های ناموفق، مردم هیچ کاره اند، به بازی گرفته نمی شوند، مورد بی مهری و بی اعتنایی اند و به عکس در مدیریت های موفق که موفقیت ها را ناشی از حضور مردم دانسته و به مردم بها داده می شود، مردم به روی آوری به تشکل ها دعوت می شوند، نظرها به گفتن تبدیل می شوند، بهترین راه کارها گزیده می شوند، امید ها ایجاد شده و سپس باور می گردند. از این رو جامعه شناسان با تأکید به گسترش هر چه پیشتر تشکل ها، آن ها را نسه تنها از خود می دانند، بلکه آن ها را عامل موثر پیشرفت خود دانسته و با آن ها همکاری دارند و سعی بر بستر سازی برای آن ها می نمایند. متأسفانه گاها مشاهده می شود برخی از مدیریت های ضعیف و ناکارا با عنوان «دخالت در مدیریت»، موانع بسیار سر راه این دلسوزی ها قرار داده و آن ها را مدعی خود تلقی می کنند. نه تنها هیچ گونه همکاری با آن ها ندارند بلکه آن ها را مانع و حتی مدعی خود می دانند و بر این اساس در بی تقابل با آن ها هستند. این گونه مدیریت ها هرگز راه به جایی نخواهند برد. در حالی که یکی از عوامل موثر در پیشرفت جوامع، تضارب افکار است و این تضارب در تشکل ها پدید می آید. انسانی که در اتاق آینه کاری شده و در بسته به سر می برد، هرگز جز خود نمی بیند و به همین جهت خود را طاووسی تلقی کرده و به به چه چه می گوید. در حالی که همین فرد وقتی وارد جامعه شده و مورد قضاوت خود و دیگران واقع گردید و گوناگونی ها را دید، معطوف کزی ها و کاستی های خود خواهد شد. با علاقه های و دلسوزی نسبت به گزینش بهترین های جامعه، توصیه می نماید؛ تشکل ها بها داده شود، از نقطه نظرات آن ها بهره گرفته شود، برای حضور آن ها بستر سازی شود، از نظرگاه های تنگ و محدود احتراز شود و در کلام آخر، آن ها را از خود دانسته و به دلسوزی آن ها باور داشته باشیم. آن ها دلسوز جامعه و دوستدار پیشرفت هستند. آن ها هراسی به دل راه ندیم، آن ها همچون ما عشق به پیشرفت جامعه دارند. سعی به حل معضلات و مشکلات جامعه دارند. کشور را متعلق به خودشان می دانند. خوبی و بدی ها آن را معطوف خود می دانند.



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگتر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com